

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مارک اشویل
برگردان و کوتاه‌شده: آزاده عسکری
۲۷ می ۲۰۲۰

نامه‌ای از ویتنام

ویتنامی‌ها برای وادار کردن ایالات متحده و مزدورانش برای بازگشت به خانه و تسلیم دولت دست‌نشانده آن، راهی جز دفاع از خود با هرچه در توان‌شان بود نداشتند. تاریخ حمله، اشغال، و جنگ به آنها درس‌های حیاتی بسیاری آموخت. ویتنام با رسیدن به هدف مقدس خود و تحقق رؤیای دیرینه‌اش، برای سامان دادن به ویرانی‌ها تنها ماند، اما، متحد و در صلح.

هم وطنان عزیز

من امروز به شما به عنوان دوستان رسمی کنونی و دشمنان سابق ویتنام می‌نویسم، زیرا می‌خواهم که از حقیقتی آگاهتان سازم که می‌توانست به یک مسیر تاریخی جایگزین و پایداری بینجامد تا هر دو کشور برای منافع متقابل و جهانی صلح‌آمیزتر آن را طی کنند.

آنچه مرا به نوشتن برای شما در این لحظه مبارک برانگیخت، ۴۵مین سالگرد پایان چیزی است که شما آن را «جنگ ویتنام» می‌نامید و ویتنامی‌ها منطقاً جنگ امریکا.

شما به شکلی تراژیک و نه تعجب‌برانگیز، بنا بر تاریخ و سیاست خارجی‌تان از اواخر قرن نوزده، راه جنگ را – نه یک بار بلکه سه بار – انتخاب کردید. بار اول با پول و تجهیزات، بار دوم با کمک یک دولت دست‌نشانده و نهایتاً با مداخله مستقیم تا خروج شتابزده‌ای که عبارت «صلح با افتخار» نیکسون / کیسینجر برای آن به کار رفت تا موجب افتخار جرج اورول گردد.

چیزی که برای شما جز نفرت ملی و رسوائی بین‌المللی افتخاری نداشت، و دوران تاریکی از تاریخ که ایالات متحده هنوز بعد از نزدیک به نیم قرن باید به نحوی با آن کنار بیاید.

اما، برای ویتنامی‌ها، رنج و مصیبت و صفاپذیر، مرگ‌های بی‌شمار و نیز هم‌زمان شهادت و پیروزی. ویتنامی‌ها پیروز برآمدند و ایالات متحده، دشمن مرگ‌آفرین دوران، کوله‌بار خونین شکست بر دوش، برای مرهم زخم‌ها و یافتن توجیهی بر رویکرد فضاحت‌بار خود شتابناک راهی خانه شد.

ویتنامی‌ها برای وادار کردن ایالات متحده و مزدورانش برای بازگشت به خانه و تسلیم دولت دست‌نشانده آن، راهی جز دفاع از خود با هرچه در توان‌شان بود نداشتند. تاریخ حمله، اشغال، و جنگ به آنها درس‌های حیاتی بسیاری آموخت.

ویتنام با رسیدن به هدف مقدس خود و تحقق رؤیای دیرینه‌اش، برای سامان دادن به ویرانی‌ها تنها ماند، اما، متحد و در صلح.

دلیل دیگر این نامه، بزرگداشت روز ملی ویتنام در دوم سپتامبر ۲۰۲۰ است. روزی که هوشی مین در سال ۱۹۴۵ استقلال کشور از فرانسه را اعلام کرد؛ پنج سال بعد از استثمار اقتصادی به دست جاپان و بیش از ۸۰ سال کنترول خونین هر سه منطقه کشور به دست فرانسه.



اعلام استقلال ویتنام

هوشی مین سخنرانی تاریخی خود در میدان «با دین» در هانوی را با کلماتی آغاز کرد که برای همه طنینی آشنا داشت: تمام مردم برابر خلق شده‌اند، و آفریدگارشان به همه آنها حقوق مسلم انکارناپذیری هدیه کرده است، حق زندگی، آزادی و تلاش برای سعادت و نیکبختی.

پیام «عمو هو»، از پیام جهانی روشنگرانه اعلامیه استقلال ۱۷۷۶ شما الهام می‌گرفت. (حال می‌دانید چرا شعارهای ملی ویتنام، استقلال، آزادی و سعادت، به گوش شما آشناست.) چیزی که می‌توانست نقطه عطفی در تاریخ باشد، ظهور یک ویتنام صلح‌دوست، مرفه و متحد. دولت ایالات متحده اما، با یک انتخابی نادرست تاریخی، مانع از به تحقق پیوستن آن شد.

هوشی مین سپس به فرانسه پرداخت که شعار ملی «آزادی، برابری، برادری» ریشه در انقلاب این کشور دارد، هرچند «خلاف آرمان‌های انسانی و عادلانه عمل کرده است.»

هوشی مین در این سخنرانی از انواع ظلم، بی‌عدالتی، غارت، توهین و تحقیر که توسط استعمارگران بر ویتنام و مردمش رفته یاد می‌کند؛ از سرکوب افکار عمومی و رواج خرافه‌پرستی، نبود آزادی‌های دموکراتیک، اجرای قوانین ضدانسانی، تجزیه کشور به سه بخش با هدف ممانعت از وحدت مردم، ساختن زندان به جای مدرسه، گشتار میهن‌پرستان و شورشیان علیه ظلم و جور، به اعتیاد کشاندن مردم. و در عرصه اقتصادی نیز از غارت مزارع برنج، معادن، جنگل‌ها، به انحصار گرفتن امور مالی کشور، وضع مالیات‌های متعدد و سنگین، ممانعت از رشد بورژوازی ملی و استثمار بی‌رحمانه کارگران و نهایتاً به فقر کشاندن مردم نام می‌برد.

هوشی مین تأکید کرد که، ویتنامی‌ها «استقلال» خود را «به زور از جاپانی‌ها و نه از فرانسه گرفته‌اند» و زنجیر اسارت نزدیک به یک قرن خود را از هم گسسته‌اند و استقلال سرزمین نیاکان‌شان را به دست آورده‌اند. «مردم ما هم‌زمان رژیم سلطنتی را سرنگون کرده‌اند ... و اکنون در قصر سلطنتی یک جمهوری دموکراتیک استقرار یافته است.»

اولین جنگ هندوچین

متأسفانه اندک زمانی بعد از جنگ جهانی دوم، علی رغم این واقعیت که ویتنام با تمام توان کوشید تا مانع جنگ شود، فرانسه همچنان دست از سر ویتنام برداشت. در ۱۷ اکتوبر ۱۹۴۵، هوشی مین نامه‌ای به پرزیدنت هری ترومن فرستاد که در آن با ابراز تمایل ویتنام «برای همکاری با دیگر دموکراسی‌ها جهت استقرار و تحکیم صلح و رفاه جهانی» پرسیده بود، چرا ویتنام بخشی از کمیسیون مشورتی [شرق دور] نیست، «در حالی که فرانسه، که بی‌شرمانه هندوچین را به جاپان فروخت و به متحدین خیانت کرد»، حضور دارد؟ چطور می‌شود ویتنام را از مذاکرات بین‌المللی درباره آینده خودش کنار گذاشت؟

متأسفانه، به نظرات هوشی مین توجهی نشد. اولین جنگ هندوچین با فرانسه، با تأمین مالی دولت شما، بر ما تحمیل گردید. شکست کوبنده آنها در ماه می ۱۹۵۴ در «دین بین فو» نقطه پایانی بود بر جنگ هشت ساله و استثمار ویتنام توسط دولت فرانسه.

توافقنامه ۱۹۵۴ ژنیو، بر آن بود تا ویتنام موقتاً تا زمان برگزاری انتخابات ملی در سال ۱۹۵۶، در عرض ۱۷ درجه جغرافیائی تقسیم شود. اگر هوشی مین در این انتخابات ۸۰ درصد آراء را به دست می‌آورد، ویتنام متحد می‌شد. بی‌اعتنائی دولت شما به این معاهده صلح بین‌المللی و انتخابات دموکراتیک، سبب آغاز دومین جنگ هندوچین شد، و بار دیگر فرصتی از دست رفت. تصور کنید در صورت برگزاری این انتخابات، وضع ویتنام، ایالات متحده و جهان چگونه می‌توانست باشد، و چند نفر در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از مرگ نجات می‌یافتند و چند نفر دیگر از آسیب‌های جسمی، فکری و روحی در امان می‌بودند؟



دومین جنگ هندوچین

اوضاع یک بار دیگر، می‌توانست به گونه‌ای دیگر باشد. وقتی رؤسای جمهور فرانسه و ایالات متحده در ماه می ۱۹۶۱ باهم دیدار داشتند، شارل دوگل این سخنان پیامبرگونه را به جان اف کندی گفت: «شما درخواهید یافت که مداخله در این منطقه یک گرفتاری بی‌پایان است. وقتی که ملتی به پا برخاسته باشد، هیچ قدرت خارجی، هر چقدر قدرتمند، نمی‌تواند اراده خود را بر آن تحمیل نماید. شما خود به این نتیجه خواهید رسید. حتی اگر رهبران محلی پیدا کنید که به خاطر منافع خود حاضر به اطاعت از شما باشند، مردم با آنها موافقت نخواهند کرد و واقعاً آنها شما را نمی‌خواهند. ایدئولوژی که شما به آن استناد می‌کنید، تأثیری نخواهد داشت. در واقع، در چشم توده‌های مردم این حکومتی به اراده

شما است. از این روست که هر چه شما در آنجا بیشتر علیه کمونیسم درگیر شوید، کمونیست‌ها بیشتر به عنوان قهرمانان استقلال ملی ظاهر خواهند شد و حمایت بیشتری به دست خواهند آورد، حتی اگر از سر ناامیدی باشد.»
دوگل بعدها گفت که «کندی به من گوش کرد اما حوادث نشان داد که در قانع کردن او موفق نبودم.» زمانی که جنگ در تابستان ۱۹۶۶ شدت می‌گرفت، پرزیدنت هوشی مین بر ماهیت تاریخی جنگ علیه ایالات متحده تأکید کرد و با گفتن «هیچ چیز گران‌بهرتر از استقلال و آزادی نیست»، نصیحت دوگل به کندی را یادآور شد. مطمئناً، این احساسی است که بیشتر شما می‌توانید با آن موافق باشید. واقعیت این است که دولت شما درباره آرمان‌های معینی بسیار بهتر حرف می‌زند تا واقعاً به آنها عمل نماید.

بار دیگر، با حمایت اکثریت، شما راه نادرستی را انتخاب کردید. اول به نیمه جنوبی ویتنام به عنوان «مشاور» آمدید، بعد صدها هزار نفر سرباز فرستادید. ابتداء بسیاری از شما صادقانه بر این باور بودید که مانند دولت‌تان دنیا را در واژه‌های سیاه و سفید، خیر و شر، و دموکراسی در برابر کمونیسم ببینید. شما بدون آن که ویتنامی صحبت کنید و یا چیزی درباره فرهنگ یا تاریخ این کشور بدانید، آمدید، و نادانی، گستاخی، و دید محدود ایدئولوژیک شما به مرگ و ویرانی عظیمی انجامید



میراث ایالات متحده در ویتنام

شما حدود هشت میلیون تن مواد منفجره بر سر شهرها و روستاهای ویتنام ریختید، چهار برابر آنچه در جنگ دوم جهانی استفاده شده بود، ده درصد آنها منفجر نشده ماندند و آنها از سال ۱۹۷۵ عامل مجروح شدن و مرگ بیش از ۱۰۰ هزار نفر و معلولیت دایمی بسیاری از جان بدر بردگان بوده است.

شما نزدیک به ۲۰ میلیون گالن عامل نارنجی، سم کیمیایی کشنده گیاه را روی بیش از ۱۲ درصد روستاهای ویتنام پاشیدید، که با نفوذ در خاک، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و شالیزارهای برنج سبب مسموم شدن مجموعه‌ای از محصولات غذایی گردیده است و تا کنون بین ۴ تا ۵ میلیون ویتنامی دچار انواع معلولیت و بیماری‌ها و نوزادان با نارسائی‌های جسمی وحشتناک از پیامدهای دردناک آن بوده است.

ارتش شما و دولت دست‌نشانده‌تان در ویتنام جنوبی، و دیگر متحدین شما در این جنگ غیراخلاقی، ناعادلانه و غیرقابل توجیه، نزدیک به ۴ میلیون ویتنامی را کشتند، که بیش از نیمی از آنها غیرنظامی بودند.
این یک حکومت وحشت بود در میان مردم غیرنظامی، ویتنامی‌هایی که تنها در پی نانی و جان بدر بردن از جنگی که ساخته خودشان نبود، با انواع توهین، شکنجه، تجاوز به زنان و دختران، سمی کردن چاه‌ها، ضرب و شتم پیر و جوان، و کشتن حیوانات مزارع. چه چیزی به دست آوردید؟ آیا ارزشش را داشت؟

حتی بعد از پایان جنگ در اپریل ۱۹۷۵، ایالات متحده تحریم‌های تجاری را، که پیش‌تر در سال ۱۹۶۴ بر جمهوری دموکراتیک ویتنام (ویتنام شمالی) تحمیل کرده بود، گسترش داد. این تحریم‌ها، خسارت سنگینی بر اقتصاد کشور و رفاه زندگی مردم ویتنام وارد کرد.

دولت شما هنوز به دنبال یافتن اجساد گمشده‌های امریکائی US MIAs در جنگ است. تعداد این گمشده‌ها حدود هزار نفر است. اما آیا می‌دانید که ۳۰۰ هزار ویتنامی گمشده در عملیات جنگی وجود دارد؟ ... بسیاری از کهنه‌سربازان شما، هرگز بر آرام روحی زندگی خود در جنگ غلبه نکرده‌اند. آنها بی‌خانمان، معتاد و گمشده‌هایی مبتلا به اختلالات روانی بعد از تراژیدی جنگ هستند؛ که ... هر روزه دست به خودکشی می‌زنند. برخی خواسته‌اند تا گذشته را جبران کنند، ... حتی اگر تنها در ذهن و به شیوه خود، نیازی جدی آنها را به فکر جبران چیزهایی می‌کشاند که خود و دوستانشان به طور سیستماتیک ویران کردند.



ویتنامی‌ها برای چه چیزی می‌جنگیدند؟

حدود چهار سال پیش، یکی از هموطنان شما، استاد دانشگاه و نویسنده برنده جایزه پولیتزر و پناهنده ویتنامی - امریکائی در یک مصاحبه تلویزیونی مدعی شد، «ایالات متحده این دعوا را برد» زیرا ویتنام در سال ۱۹۸۶ تصمیم سرنوشت‌سازی گرفت تا از اقتصاد با برنامه‌ریزی متمرکز به اقتصاد بازار (اقتصاد بازار سوسیالیستی) روی آورد. این یک افسانه‌است، دروغی که در پی القای نوعی حس رضایت و تسکین روانی برای شکست خوردگان در آن جنگ بیهوده جنایتکارانه است. اما این کاملاً اشتباه است.

این جنگ بین نظام‌های متفاوت اقتصادی و ایدئولوژیک، یا بین اقتصاد بازار آزاد و اقتصاد با برنامه‌ریزی متمرکز نبود. مسأله بر سر ملتی بود که می‌خواست کشورش را بدون دخالت خارجی اداره نماید.

ایالات متحده نهایتاً به این دلیل که حالا استارباکس‌ها، مک‌دونالدها، دانکین‌دونات‌ها، و پوپایزها در بازار خرده‌فروشی ویتنام پیدا شده‌اند، پیروزمند نیست. ایالات متحده پیروز نیست چون حالا پیسی و کوکاکولا سر تشنگی و جیب خالی ویتنامی‌ها باهم می‌جنگند.

ویتنام پیروز شد، چون هدف آن بحق، فداکاری آن عظیم، و ستراتیژی نظامی آن درخشان بود. این برای بسیاری از شما تکان‌دهنده است، اما در ۳۰ اپریل ۱۹۷۵، روزی که سایگون در برابر ارتش امریکا و متحدین و همدستانش سقوط کرد، روز آزادی ملی و جشن شادی برای اکثریت ویتنامی‌ها بود، روزی که ویتنام به کشوری متحد، مستقل و حاکم بر خود تبدیل شد.

می‌توان از هدف ویتنامی‌ها در این جنگ در خاطرات استیو بانکو، کهنه سرباز ارتش امریکا آشنا شد: زمانی که شلیک‌ها متوقف شد...، در جست و جوی یکی از قربانیان خود بودیم که معلوم شد صاحب یک مدال است. مترجم ما گفت، این مدال ۱۴ سال پیش به خاطر قهرمانی او در نبرد دین بین فو بوده است. وقتی ما را به جنگ فرستادند تا علیه کمونیسم بجنگیم، او با تمام وجود برای حق تعیین سرنوشت کشورش می‌جنگید. ما ۱۲ هزار مایل سفر کردیم تا او را به این دلیل بکشیم.



ویتنام ۲۰۲۰

ممکن است تعجب کنید اگر بدانید، ویتنامی که تا ۲۵ سال پیش یکی از فقیرترین کشورهای جهان با درآمد سرانه سالانه ۲۷۷ دلار (یعنی روزانه کمتر از یک دلار، ۷۶ سنت- م.) بود، امروز یکی از نمونه‌های بسیار موفق کشورهای در حال توسعه است، یک معجزه واقعی اقتصادی آسیایی.

تا پیش از بیماری عالمگیر کووید - ۱۹، که موجب توقف موقتی در راه توسعه شد، ویتنام دارای یکی از سریع‌ترین اقتصادهای در حال رشد جهان و سرزمین بخت و اقبال و فرصت برای میلیون‌ها انسان بود. به گزارش بانک جهانی، ویتنام در سال گذشته با نرخ رشد درآمد ناخالص ملی بیش از ۸/۶، در جایگاه دوم آسیای جنوب شرقی و جایگاه سیزدهم جهان قرار گرفت. گرچه شاید این رشد چشمگیر، که نتیجه صادرات بالا و ثبت سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی است، همه را منتفع نکرده باشد، اما موقعیت اقتصادی اکثریت ویتنامی‌ها را ارتقاء بخشیده است.

ویتنام با جمعیتی جوان (متوسط سن ۵/۳۲ سال) از یک مزیت جمعیتی برخوردار است، جمعیتی سخت‌کوش، با دیدی باز و آینده‌نگر. اکثر ویتنامی‌ها میهن‌پرست اما عاری از عقده برتری فرهنگی در مفهوم ناسیونالیستی آن هستند. ویتنام به شکل معجزه‌آسایی به یک کشور مبنکر و روزآمد برای سرمایه‌گذاران در زمینه‌های متنوع تبدیل شده است.



پی‌نوشت کووید - ۱۹

هیچ چیز مانند یک بحران، نقاط قوت و ضعف چیزی را آشکار نمی‌سازد. کارآمدی ویتنام در طول پاندمی کروناویروس و نتایج آن تا کنون خود گویا هستند. خلاف کشور شما که علی‌رغم داده‌های آماری و شواهد عینی زندگی در امریکا خود را «عظیم‌ترین ملت روی زمین» می‌داند، ویتنام با سعه صدر بنا بر سنت دیرینه خود با آموختن از اشتباهات و موفقیت‌های کشورهای دیگر، تجربه‌ها و الگوهای آموزنده آنها را متناسب با فرهنگ و در انطباق با امکانات و منابع بومی خود به کار بسته است.

درس‌هایی که از ویتنام در مبارزه با پاندمی می‌توان گرفت، عمل شفاف و باز دولت جهت جلب اعتماد مردم به توصیه‌های خود است، و پذیرفتن این اصل که لازمه خیر و صلاح عمومی محدودیت منافع خصوصی است. ... تمام کسانی که در ویتنام زندگی می‌کنند، ویتنامی‌ها و مهاجران، می‌توانند از زندگی در کشوری خرسند باشند که رهبری آن در عمل نشان داد که دغدغه‌مند سلامت و رفاه مردم است و بلافاصله با روحیه همکاری و توافق جمعی دست به کار شد. کشور ویتنام به دلیل چگونگی مقابله با عالمگیری کروناویروس به حق مورد تحسین جهانیان قرار گرفته است. به عکس در ایالات متحده با آن رئیس‌جمهور و دولتش از این بدتر نمی‌توانست باشد، تا این حد تلخ و مصیبت‌بار.

تا ۲۹ اپریل، ویتنام ۵۱ مورد فعال و صفر جانب‌ناخته داشت در حالی که ایالات متحده بیش از ۸۳۵ هزار مورد فعال و نزدیک به ۶۰ هزار جانب‌ناخته. (این آمار در ۲۴ ماه می، ویتنام دارای ۳۵۲ مبتلا، بدون جانب‌ناخته و امریکا دارای نزدیک به یک میلیون و ۶۷۰ هزار مبتلا و ۹۹ هزار جانب‌ناخته است) «وو دوک دام»، معاون نخست وزیر ماه گذشته گفت، اگر اقدامات پیشگیرانه با جدیت پیگیری شود نباید جمع تعداد موارد تأیید شده به هزار برسد. ... طبق آخرین نتایج تا کنون حرف او درست بوده است. این یک دستاورد فوق‌العاده و بالقوه تاریخی است. ...

یکی از خصوصیات مردم ویتنام که برای من الهام‌بخش است خوش‌بینی آنها علی‌رغم همه مشکلات است. بر اساس نتایج نظرخواهی‌های اخیر بین‌المللی درباره امید به بازسازی سریع اقتصادی بعد از کووید - ۱۹، ویتنام با ۸۰ درصد موافق، جایگاه اول را در جهان به دست آورد. ... این احساس مشترک ۸ نفر از هر ده ویتنامی، به اطمینان داشتن از این که باور آنها به یک پیش‌گویی صادقانه مبدل شود کمک خواهد کرد. چین با ۶۸ درصد و هند با ۶۳ درصد کسانی که بر بازسازی سریع اقتصاد بعد از پاندمی باور دارند، در جایگاه دوم و سوم قرار دارند. در سر دیگر این طیف، ایالات متحده با ۴۷ درصد، بریتانیا با ۲۵ درصد، ایتالیا با ۲۴ درصد، فرانسه با ۱۹ درصد و اسپانیا با ۱۷ درصد وضعیت چندان امیدبخشی ارائه نمی‌کنند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ویتنامی‌ها که در این پاندمی بار دیگر خودنمایی کرد و می‌توان به عنوان یک نقطه درخشان به آن نگاه کرد این که مبارزه علیه دشمن مشترک - ویروس کرونا - عمدتاً توسط جبهه‌های متحد انجام گرفت.



گذشته زمینه‌ساز امروز، سبک ویتنامی

گذشته اغلب زمینه‌ساز [امروز] است. جای تعجبی نیست، زیرا ویتنام تجربه انجام کارهای بزرگ با دست خالی را دارد. این ضرب‌المثل که سخت‌ترین فولاد در داغ‌ترین آتش‌ها نرم می‌شود، اشاره به این واقعیت است که قدرت عظیم از سختی و فلاکت عظیم فرا می‌رود. تاریخ ویتنام، از جمله در ۷۵ سال گذشته، تصویر تمام‌نمای تحقق چنین اعتقادی است. در واقع معادل این گفته که «نیاز مادر ایجاد است»، ویتنامی‌ها، حتی به گواهی سربازان دشمن، هم مدبر و هم سرسخت‌اند. ویلفرد برچت، روزنامه‌نگار استرالیایی در کتاب سال ۱۹۶۶ تحت عنوان «ویتنام شمالی: گزارش دست اول»، درباره مهارت و نبوغ متخصصان پزشکی ویتنامی در انجام پیروزمندانه جراحی‌ها و مداوای دشوار زخمی‌هایی نوشته است که اندک شانس برای زنده ماندن زیر بمباران‌ها داشتند.

سال ۱۹۶۶ زمان جنگ، تحریم، محرومیت، و مصیبت و سختی‌هایی بود که توسط ایالات متحده ایجاد شده بود، حال آن که سال ۲۰۲۰ یکی از بی‌سابقه‌ترین دوران‌های رفاه اقتصادی، خوش‌بینی و امید، دسترسی به دانش، تجربه و منابع است.

تنها تصور کنید که ویتنام بعد از ایام کووید - ۱۹ چه‌ها می‌تواند انجام دهد. ویتنامی‌ها متأثر از روحیه قوی خود، بعد از پیروزی در مبارزه علیه کروناویروس، شاهکار عظیمی که خط پایان آن چندان دور نیست، حتماً قادر خواهند بود تا بر طیف گسترده‌ای از تقابل‌های دشوار به نحوی غلبه نمایند که منافع پایداری برای کشور خود و جهان داشته باشد. اگر می‌توانید به ویتنام سفر کنید تا مستقیماً از مسیر پویا و الهام‌بخشی که این کشور در پیش دارد آگاه شوید. از شما به عنوان یک دوست، در جایی استقبال خواهد شد که گذشته فراموش نشده است اما مخالفان پیشین بخشیده شده‌اند. اگر نه، تکانی به زنجیرهای خود بدهید و بکوشید تا از راه دور با حقایق ویتنام ۲۰۲۰ آشنا شوید. حقایق درباره کشوری که موقعیت خود را به عنوان یک منطقه ژئوپولیتیک تثبیت کرده و بر بسیاری از مشکلات فائق آمده است. با صلح و دوستی متقابل

Mark Ashwill, *A Letter From Viet Nam on the Occasion of the 45th Anniversary of the End of the War*, CounterPunch, APRIL 30, 2020

کانترپانچ، ۳۰ اپریل ۲۰۲۰

منبع: کانال تلگرامی مجله دانش و مردم